

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر - اسن - المان

بازی شطرنج

هرچه خوردی نوش. جانت ، حاجت. کتمان نبود
گر زما پُت کرده بودی ، از خدا پنهان نبود
یا شراب. ناب خوردی ، یا کشیدی چرس و بنگ
یا چشیدی پودر و تریاک ، چون غلیان نبود
بیر و واین و وُدکه و وسکی ، ز دست. گلرخان
بزم. گرمی بود برپا ، رخنه در ایمان نبود
باده و. پیمانه در گردش ، همه مست و خراب
ذکر. خیری بود اما ، غیبت. یاران نبود
من بقربان. شما ، ای حاجیان. باده نوش
ساغر. معنی لبالب ، حوری و غلمان نبود
نوش. جان. دوستان ، بی ما اگر میل. شراب
خالی. پیمانه ما ، با کسی جنگان نبود
با عزیزان در غیاب. بنده شرمنده ، چند
شعری نغزی را سروده ، از منت پُرسان نبود
وزن و سیلابش مُعنبر ، با ردیف و قافیه
مشک. خوشبویی ، بجز از سوی. ما بیزان نبود

هر یک از انگلیس و امریکا و حتی ، جرمنی
کودتا کردند اما ، (موش) در جریان نبود
زانکه او در فکر (یونس جان قانونی) شده
کُرسیِ جمهور ، جای پیرهن تنبان نبود
گرچه او را عینک و ریش است ، مثلِ بونده
هر بگیلِ ماده خویی ، واردِ میدان نبود
با عصای چوبِ خارش ، لنگ لنگان پشتِ بوش
ورنه در (شورا) ریاست کردنش آسان نبود
بعدِ کُرزی ، نوکرِ ثانی بگیرد جای او
بازیِ شطرنج را بهتر ز این و آن نبود
حال برگردم سرِ موضوع که کردند انقلاب
خامه بشکسته ام را ، جرأتِ جولان نبود
راکت و خُمپاره های دوستی از هر طرف
آنقدر بارید ، گویی حاجتِ باران نبود
ملکِ جان آزاد گشت و شهرِ دل تسخیر شد
باغکِ طبعِ روانم ، بی گل و ریحان نبود
از خرابِ آبادِ دل ، آباد کردم خانه ای
مرغِ بسمل را به جز آن لانه ویران نبود
دانه در دامِ هوس پاشید ، اندک اندکی
خرمنِ هستیِ ما ، جز کاهی در کاهدان نبود
گفت (حاجی) ! شش نفر پُختیم ، آشِ مزه دار
دیگِ ما را طاقتِ کفگیرِ « نعمت جان » نبود